

بسم الله الرحمن الرحيم

فلسفه عشق مجازی در سلوک عرفانی^۱

زهرا کلهر^۲

مقدمه

در متون عرفانی، عشق مجازی محبت شدیدی است که متعلق آن فردی از نوع انسان است. این عشق، تمام توجه عاشق را به معشوق معطوف می‌دارد به گونه‌ای که عاشق جز معشوق نمی‌بیند و خواسته و اراده‌ای جز وصال و رضای او ندارد؛ عشق مجازی از آن رو دارای اهمیت بررسی است که ممکن است در مراحل مختلف سلوک عرفانی و در راه رسیدن به وحدت حقانی بر سالک عارض شود. عشقی که در ظاهر مصداق کثرت است با ماهیت سلوک عرفانی که اقتضای وحدت دارد در تضاد است. سالک با یک پارادوکس عینی مواجه می‌شود. ممکن است سطح معرفتی او چنان نباشد که یاریگر وی در حل این تضاد باشد؛ از این رو ممکن است از سیر باز بماند. بنابراین عشق مجازی (انسانی) نیاز به تبیین معرفتی دارد.

سیر تطور عشق مجازی در عرفان اسلامی

عشق، در عصر نزول وحی برجسته‌ترین لفظی بود که در انتقال مفاهیم شهوانی به کار می‌رفت. با آنکه به اذعان لغت دانان این واژه برای انعکاس این معنا وضع نشده است. اما در آن عصر، کثرت استعمال این واژه در این معنا، حجت موجه عارفان صدر اسلام برای پرهیز از استعمال آن در توصیف حب إلهی بود. دلیل دیگر عرفا برای این نوع پرهیز، تهی بودن کلام إلهی از این کلمه بود. بدین ترتیب واژه‌ی عشق در اقوال و احوال عرفا مهجور شد. اما دیگر معانی آن به ویژه واژه‌ی حب و مشتقات آن به وفور در کلام خدا، احادیث نبوی، کلام معصومین و اقوال عرفا پیدا بود. از سوی دیگر به سختی می‌توان در این دو قرن ردپایی از توجه به عشق مجازی در اقوال عرفا پیدا کرد تا بتوان بدان وسیله از فلسفه‌ی آن جستجو کرد. از بدو ظهور واژه‌ی حب در عرفان اسلامی به ویژه در کلام «رابعه‌ی

^۱. محتوای تقریباً کامل این کنفرانس تحت مقاله‌ای با عنوان "چیستی و چرایی عشق مجازی در عرفان اسلامی" در مجله فلسفه و

کلام دانشگاه تهران پذیرفته شده است و ان شاء الله در بهار و تابستان ۹۸ به چاپ خواهد رسید.

^۲. دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه شیراز

عدویه» یا به قولی «ابوالمهاجر عمرو قیسی» همواره متعلق آن معشوق آسمانی خداوند یکتا بود؛ این در حالی است که در کتاب خدا که منبع اصلی ارزیابی عارفان در تشخیص درستی یا نادرستی إلهامات و مکاشفاتشان است، عشق مجازی به زیباترین صورت در زیباترین سوره‌ی آن-یوسف- علیه السلام- به تصویر در آمده بود. هرچه از عمر عرفان اسلامی می‌گذرد و هرچه این مکتب به دوران شکوفایی خود نزدیک می‌شود رد پای عشق مجازی هم پر رنگ‌تر می‌شود.

عشق مجازی پیش از سلوک عرفانی و بررسی کیفیت تأثیر آن

عشق مجازی در هر مقطعی از زندگانی عرفانی روی دهد تأثیر ویژه‌ای دارد. تجربه‌ی این عشق به اذعان بزرگان تصوف تأثیر شگرفی بر ورود به ساحت قدسی عرفان دارد. در احوالات عرفای سده‌های اولیه «فضیل عیاض» بیش از همه مشهور است به این که عشق عقیف انسانی را توانسته است تجربه کند. اما کسی، این عشق را سبب توبه‌ی نصوح وی ندانسته است. حق آن است که عشق، به معنای عام و خاص کلمه، یکی از اسباب انقلاب روحی وی دانسته شود. در احوالات فضیل، وی راهزنی است که به زنان و کودکان و سالخورده‌گان رحم می‌کند و از کم‌بضاعتان چیزی به زور نمی‌گیرد. این عشق به معنای عام کلمه است که در زندگانی وی موج می‌زند. اما عشق به معنای خاص کلمه نیز در زندگی او وجود دارد، دختری که او می‌خواهد به وصالش برسد. اینک فضیل قصد می‌کند که شبانه به دیدار محبوبش بشتابد و هنگامی که از دیوار منزل معشوق بالا می‌رود تا مخفیانه خود را به او رساند، نوای روحانی کلام إلهی چنان در دلش تأثیر می‌گذارد که برق عشق معشوق زمینی را به شعله‌های سوزان عشق آسمانی تبدیل می‌کند. بی‌عدالتی است اگر حکم کنیم که عشق در ورود این عارف ربانی به سلوک عرفانی بی‌تأثیر بوده است. شفقت و رحمت او به مردم و عشق او به این دختر چنان زنگارهای غفلت را از دل این مرد آسمانی زدوده بود که تنها با شنیدن یک آیه‌ی قرآنی منقلب شده و به جرگه‌ی اولیای إلهی می‌پیوندد.

در سیره شناسی عرفای متأخر رد پای عشق مجازی پر رنگ‌تر است. طبق گزارش «مجالس العشاق» - اثر گازرگاهی عارف قرن نهم- عارفی نبوده است که عشق مجازی را تجربه نکرده باشد. در بسیاری از داستان‌های این کتاب عامل ورود به سلوک عرفانی عشق مجازی است. هرچند برخی از مستندات این کتاب مخدوش و گزارش‌های آن غیر تاریخی است اما این خود نشان می‌دهد که عرفا به تأثیر عشق مجازی اذعان داشتند و دوست داشتند برای این تأثیر، داستان سرایی کنند.

برخی از عرفای بی‌پروا پرده از راز عشق انسانی خود برداشته‌اند. چنانچه نجم الدین کبری- از اقطاب صوفیه و سرسلسله‌ی طریقه‌ی کبرویه در کتاب شریف «فوائج الجمال» عشق ربانی خود را مدیون عشق مجازی خود می‌داند. از تحلیل سخنان شیخ ولی تراش - نجم کبری- این گونه بر می‌آید که وی پس از تجربه‌ی عشق انسانی و ظاهر شدن آثار این تجربه بر او، از خواب و خوراک باز می‌ماند. و از سوپی کم خوردن و کم خوابیدن

یکی از اسباب مکاشفه وی می‌شود. با انضمام این دو مقدمه می‌توان نتیجه گرفت که سبب اصلی مکاشفه‌ای که برای او رخ داده و او را از محبوب حقیقی آشگاه ساخته است چیزی جز عشق انسانی نیست. به بیانی دیگر عشق انسانی سبب ریاضات نفسانی می‌شود و این ریاضات سبب مکاشفات و إلهامات ربانی می‌گردد. بدین ترتیب عشق انسانی سبب ورود به سلوک عرفانی می‌گردد.

از اندیشه‌های روزبهان بقلی شیرازی در «عبر العاشقین» می‌توان این گونه برداشت کرد که طهارت نفسانی و تهذیب باطن سبب عشق انسانی می‌شود و آخرین درجات عشق انسانی منتهی به اولین درجات عشق ربانی می‌گردد. بنابراین از نظر روزبهان عشق مجازی، علت قریب ورود به ساحت عرفانی و طهارت نفس، علت بعید آن است.

بررسی تأثیر عشق مجازی در اوایل و اواسط سلوک عرفانی

گفته شد که روزبهان بقلی شیرازی طهارت نفسانی را از اسباب عشق انسانی می‌داند. با این توصیف علت عشق انسانی در اوایل سلوک عرفانی فهمیده می‌شود. به این صورت که سالک در اوایل سلوک عرفانی به تهذیب نفس و طهارت باطنی مشغول می‌شود و این طهارت، علت اصلی عشق انسانی وی می‌شود. این تحلیل ظاهراً بر خلاف برداشتی است که پیش از این گفته شد. در آنجا عشق انسانی سبب سیر و سلوک عرفانی بود و در این جا سیر و سلوک عرفانی سبب عشق انسانی می‌شود. با کمی دقت این تناقض قابل رفع است زیرا در هر دو صورت، علت اصلی، طهارت نفس است. اما در اولی جهت این طهارت در مسیر سیر عرفانی نیست و در دومی مسیر این طهارت در جهت سیر عرفانی است. بنابراین تناقضی در کار نیست.

در آثار عرفانی، پس از سلوک نیز عشق انسانی دیده می‌شود اما به شکل دقیق، آشکار نیست که این تجربه برای چه هنگام از سلوک عرفانی است آیا برای اوایل یا اواسط آن است؟ اما از آنجایی که برخی از عرفا این عشق را در آخرین مرحله‌ی سیر عرفانی هم تجربه نموده‌اند می‌توان این عشق را برای مرتبه‌های پایین‌تر یعنی اواسط و اوایل نیز ثابت کرد. این خود فرضیه‌ای پیش روی عشق پژوهان می‌گذارد. فرضیه‌ای که می‌گوید به تعداد درجات عرفانی عشق انسانی وجود دارد. سالک در هر مرتبه از سلوک عرفانی، نوعی از عشق انسانی را تجربه می‌کند که متمایز از مقامات بالاتر و ما دون خود است. عشق انسانی عارف واصل با عشق انسانی سالکی که در اوایل یا اواسط سلوک عرفانی قرار دارد یکی نیست. به ظاهر، همه عشق انسانی را تجربه می‌کنند اما این عشق در هر مرحله‌ای از مراحل سلوک عرفانی از نظر ماهوی و شدت و حدت با مرحله‌ی پیشین متفاوت است.

به نظر می‌رسد از بعد عملی، عشق مجازی، در اوایل سلوک عرفانی آزمون‌ی است که در آن سالک میزان پایبندی خود را به شریعت می‌سنجد. شریعتی که شاهره طریقت است. بدین ترتیب که اگر در مسیر عشق انسانی توانست طهارت نفسانی خود را آنگونه که شریعت خواسته است نگه دارد و خود را آلوده نسازد، به

مرحله‌ی بالاتر راه پیدا می‌کند و اگر در این آزمون با شکست مواجه شد، باید توبه کند تا سیر عرفانی را از نو آغاز کند.

به هر تقدیر عشق انسانی در اوایل سلوک بسیار سخت‌تر از عشق ربانی است. سالک با یک پارادوکس عینی مواجه می‌شود. سطح معرفتی او چنان نیست که یاریگر وی در حل این تضاد باشد. وی عشق را گناه می‌داند و گناه را با سلوک عرفانی در تضادی کامل می‌بیند. از سوی دیگر از دام این گناه نیز نمی‌تواند خلاصی پیدا کند. ناامید و سرگردان می‌شود و ممکن است در اثر همین ناامیدی و سرگردانی از سلوک عرفانی باز بماند. با این تفسیر، عشق انسانی می‌تواند از بعد نظری نیز رهن عشق ربانی باشد. بنابراین فلسفه‌ی این که عرفا گفته‌اند عشق انسانی منهج عشق ربانی است این است که، سالک عاشق را مجهز به معرفتی کنند که از بعد نظری، عشق انسانی را در تضاد با عشق ربانی نبیند و از این طریق از سلوک باز نماند و گر نه این نکته‌ی عرفانی به طور مطلق و لابشرط صادق نیست. در اواسط سلوک عرفانی این عشق می‌تواند عاملی باشد که سالک را از عالم کثرات به سوی عالم وحدت می‌کشاند.

تحلیل عشق مجازی عارف واصل

نسبت به فلسفه‌ی عشق مجازی در مسیر سلوک عرفانی به طور عمده دو دیدگاه وجود دارد: (۱) دیدگاه وحدت وجودی (۲) دیدگاه کارکردگرایانه، که اولی تفاوتی بین عشق حقیقی و مجازی نمی‌بیند و حتی اطلاق واژه‌ی مجاز را هم بر چنین عشق‌هایی ناروا می‌داند و در حقیقت دعوی این همانی دارد و دومی علت ظهور چنین عشقی را در کارکرد عمده‌ی آن یعنی طریقیّت آن برای عشق الهی جستجو می‌کند. اگر دیدگاه کارکردگرایانه را بپذیریم ظاهراً دیگر هیچ تفسیری برای فلسفه‌ی عشق مجازی عارف واصل نخواهیم یافت، زیرا در عارفی که واصل است طریقیّت چنین عشقی بی‌معناست و اصلاً جای ظهور ندارد. بنابراین بهترین مبنایی که می‌توان با آن عشق انسانی عارف واصل را توجیه کرد دیدگاه وحدت وجودی است. دیدگاهی که تلاش می‌کند بگوید عشقی جز عشق رحمانی وجود ندارد.

از میان عرفای دوره‌ی میانه روزبهان بقلی شیرازی بیش از همه بدین معروف است که عشق مجازی را در حالی تجربه کرده است که عارفی واصل است. نکته‌ی قابل تأمل آن است که شیخ شطاح در تفسیر فلسفه‌ی عشق انسانی خود به بیان کارکردهای عشق انسانی می‌پردازد و این که عشق انسانی طریق و منهجی برای عشق ربانی است. اما پیش از این گفته شد که عشق عارف واصل را

نمی‌توان با دیدگاه کارکردگرایانه توجیه کرد. پس ناگزیر باید گفت که شیخ شطاح یا اساسا دیدگاه وحدت وجودی ندارد و یا اگر چنین دیدگاهی دارد نمی‌تواند عشق انسانی را با آن تفسیر کند و یا آنکه چون عامه‌ی مردم درک درستی نمی‌توانند از مسئله‌ی غامضی چون وحدت وجود داشته باشند و از سویی باید به اندازه‌ی ادراک مردم با آن‌ها صحبت کرد ایشان به ناچار از دیدگاه کارکردگرایانه سود جسته است.

آنچه که سبب تشکیک در صحت مطالب بالا می‌شود شرح عبهر العاشقین از عارفی گمنام است که در آن به بهترین شکل با دیدگاه کارکردگرایانه به تبیین فلسفه‌ی عشق مجازی عارف واصل پرداخته است. این عارف گمنام تلاش می‌کند که بگوید اگر عارف واصلی که به مقام جمع الجمعی رسیده است عشق انسانی را تجربه نکند هرگز به مقام ارشاد نخواهد رسید زیرا شراب حبِ الهی چنان مست کننده است که اذن ارشاد و دستگیری دیگران را به عارف نخواهد داد. دراین میان تجربه‌ی عشق انسانی سبب فروکش شدن شعله‌های سوزان عشق ربانی می‌شود تا مستان می‌رب سرمدی را هوشیاری بخشد تا آن‌ها را در ارشاد زیر دستان توانا سازد.

با آنکه شرح این عارف گمنام بهترین تفسیری است که می‌توان بر اساس دیدگاه کارکردگرایانه به فلسفه‌ی عشق انسانی عارف واصل داد و خود بهترین پاسخ عرفانی به فلسفه‌ی تعدد زوجات نبی اکرم است اما این تبیین تنها برای یک قسم از اقسام عشق مجازی صحیح است؛ یعنی عشق زن و مرد به یکدیگر که در آن زمینه‌ی ازدواج شرعی و عرفی وجود دارد. اما از تفسیر سایر عشق‌هایی که چنین وصالی در آن متصور نیست ناتوان است. به عنوان نمونه نمی‌توان با آن عشق احمد غزالی و امثال او را که عشق به مذکر است توجیه کرد. بنابراین بهترین مبنا در تفسیر عشق مجازی عارف واصل دیدگاه وحدت وجودی است.

نتیجه

بر اساس تتبع تاریخی، سالک در هر مرحله از سلوک عرفانی می‌تواند تجربه‌ای از عشق مجازی داشته باشد. البته ماهیت و فلسفه‌ی آن در هر مرحله از سلوک عرفانی متفاوت و متغایر از مراحل پیشین و پسین است. افزون بر آن، اینکه تا پیش از ابن عربی دیدگاه غالب به فلسفه‌ی عشق مجازی کارکرد گرایانه است یعنی عشق مجازی به سبب کارکردهای ایجابی که در عرفان عملی دارد می‌تواند پلی برای رسیدن به عشق حقیقی باشد. بر این اساس عشق مجازی، سبب ریاضات نفسانی می‌شود و این ریاضات سبب لطافت درون، مکاشفات و إلهامات ربانی می‌شود؛ بدین ترتیب عشق انسانی سبب

ورود به سلوک عرفانی می‌گردد. در اوایل سلوک عرفانی، عشق مجازی آزمونی است که در آن سالک میزان پایبندی خود را به شریعت می‌سنجد؛ شریعتی که شاهراه طریقت است. در اواسط سلوک عرفانی این عشق می‌تواند عاملی باشد که سالک را از عالم کثرات به سوی عالم وحدت می‌کشاند. در این میان تجربه‌ی عشق انسانی برای عارف واصل که به مقام جمع الجمعی رسیده است سبب فروکش شدن شعله‌های سوزان عشق ربانی و سکر حاصل از آن است؛ این‌گونه عشق مجازی سبب می‌شود عارف از مقام فنا به بقا راه یابد. با اغماض از مورد اخیر، دیدگاه کارکردگرایانه نمی‌تواند عشق مجازی عارف واصل را تبیین کند؛ چرا که طریقت چنین عشقی برای عارف واصل بی‌معناست و اصلاً جای ظهور ندارد. بنابراین بهترین مبنایی که می‌توان با آن عشق انسانی عارف واصل را توجیه کرد دیدگاه وحدت وجودی است. از منظر دیدگاه کارکردگرایانه، عشق مجازی ماهیتی ابزارگونه دارد و طریقت این عشق برای عشق ربانی به صورت امکانی است؛ از این نظر چه بسا عشق‌های مجازی که به عشق ربانی منتهی نمی‌شوند. اما از دیدگاه وحدت وجودی که عشق مجازی در آن فی نفسه لحاظ می‌شود، سالک به محض تجربه‌ی عشق انسانی به عشق ربانی رسیده است و تنها باید نقص معرفتی خود را کامل کند.